

دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (۲۲۸-۱۹۹)

مهاجرت و زباله‌گردی، به مثابه شیوه نوظهور زیست شهری*

ستار پروین**، علیرضا مرادی***، ام‌کلثوم دنیایی****، مریم داودی*****

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۷)

چکیده

مسأله زباله‌گردی امروزه به‌عنوان یک پدیده نوظهور در کلان‌شهرهای ایران با مهاجرت درهم تنیده است. این مقاله تلاش دارد تا پدیده زباله‌گردی را به مثابه یک شیوه زیست شهری در شهر تهران مورد کنکاش قرار دهد. روش پژوهش، مبتنی بر روش کیفی (پدیدارشناسی) و استفاده از تکنیک‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته، مصاحبه گروهی و مشاهده می‌باشد. تعداد مشارکت‌کنندگان در مطالعه، ۴۰ نفر از زباله‌گردها می‌باشد و داده‌های پژوهش بر اساس تحلیل مضمونی مورد تفسیر قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زباله‌گردها عمدتاً مهاجرند، بسیاری از آنها مهاجران افغانستانی و برخی نیز از مهاجران داخلی وارد شده به شهر تهران هستند. زباله‌گردها از تحصیلات پایین و تغذیه نامناسب برخوردارند. به‌علاوه بر اساس سنخ‌شناسی، افراد زباله‌گرد به گروه‌های رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی می‌شوند. در نهایت، بر اساس نتایج پژوهش می‌توان از زباله‌گردی به مثابه یک شیوه زیست و سبک زندگی نوظهور شهری یاد کرد که در یک دهه گذشته در اثر جریان‌های مختلف مهاجرتی، نمود و گسترش یافته است.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت، زباله‌گردی، سنخ‌شناسی، شیوه زیست شهری، تهران.

* این مقاله، برگرفته از نتایج پژوهشی است که با حمایت مالی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران در سال ۱۳۹۷ به انجام رسیده است.

sparvin1359@gmail.com

**دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

ali.moradi@ut.ac.ir

***دکتری علوم ارتباطات، مدرس دانشگاه رازی کرمانشاه

sdonyaie@yahoo.com

****دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر اجتماعی

maryam.davoodi62@gmail.com

*****دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

مهاجرت همواره همراه و همزاد بشر بوده است و انسان‌ها بنا به دلایل مختلف اقدام به مهاجرت کرده‌اند. مسلماً مهاجرت ضمن آنکه دارای زمینه‌ها و علل مختلف است؛ از دیگر سو، دارای پیامدهای مثبت و منفی خاص خود نیز می‌باشد. در این بین، کشورهای در حال توسعه، مهاجرت و شهرنشینی را اساسی‌ترین و بنیادین‌ترین مسأله جمعیت خود می‌شناسند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵).

امروزه، بیش از نیمی از جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کنند (ثورتنز، ۲۰۰۲: ۱). این وضعیت به خصوص برای کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران وضعیت حادثتری را نشان می‌دهد که در آن عمده جمعیت کشور در یک یا چند کلان‌شهر عمده متمرکز شده‌اند. پیوند بین مهاجرت و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی یکی از واقعیت‌های اجتماعی می‌باشد (پوراحمد و کلانتری، ۱۳۸۱؛ علی‌بابایی و پروین، ۱۳۹۱؛ سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). یکی از این آسیب‌های اجتماعی مرتبط با جریانات مهاجرتی در کلان‌شهرها، مسأله زباله‌گردی است.

ما امروزه شاهد پدیده‌ای به نام زباله‌گردی در بسیاری از کلان‌شهرهای کشور هستیم که تا پیش از این چندان رواج نداشته و یا اینکه وسعت و شدت آن به این صورت نبوده است. امروزه مسأله زباله‌گردی و زباله‌گردهایی که در کوچه و خیابان با آن‌ها روبرو می‌شویم، به بخشی از تصورات و تجارب ما از کلان‌شهرهایی نظیر تهران تبدیل شده است. به معنای دیگر، این پدیده به بخشی از زندگی روزمره ما تبدیل شده است. هر روزه شاهد تهیدستان شهری هستیم که سر را در سطل‌های زباله فرو برده‌اند و سعی دارند تا رزق و روزی خود را از درون پسماندها و دورریزهای زندگی دیگران پیدا کنند. هر چه جهان بیشتر به سمت شهری شدن پیش می‌رود، مقامات و سیاست‌گذاران شهری با چالش‌های بیشتری در رابطه با آسیب‌های اجتماعی و گروه‌های فرودستی مثل زباله‌گردها در شهرها و مناطق شبه‌شهری مواجهه می‌شوند.

شهرداری‌ها در کشورهای جهان سوم، تنها قادر به جمع‌آوری ۵۰ تا ۸۰ درصد از زباله‌های تولیدشده هستند (گزارش زنان در مشاغل غیررسمی، ۲۰۰۴). علی‌رغم مزایایی که زباله‌گردها می‌توانند برای نظام اقتصادی و زیست‌محیطی شهرها داشته باشند، نظیر کمک به بازیافت

۲۰۱ مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری

زباله‌های قابل بازیافت، کاستن از هزینه‌ها، ایجاد اشتغال بدون نیاز به سرمایه‌گذاری دولتی و منبع درآمد برای اقشار پایین جامعه (مدینا، ۲۰۰۵: ۲)، این افراد در محیط‌های اجتماعی متخاصمی زندگی می‌کنند و همواره از جانب مسئولان شهری به‌مثابه افرادی آزاردهنده، مزاحم، منحل و حتی در بدترین شکل، مجرم، مورد سرزنش قرار می‌گیرند. واقعیت این است که افراد زباله‌گرد در معرض سوءاستفاده و بهره‌کشی افراد واسط قرار دارند. زباله‌گردها در کلمبیا، هند و مکزیک تنها پنج درصد از ارزش واقعی زباله‌های جمع‌آوری شده را دریافت می‌کنند (مدینا، ۲۰۰۵: ۱۰). این افراد به‌طور کلی جزء اقشار بسیار کم‌درآمد هستند که اغلب در شرایط زندگی اسفبار، فاقد دسترسی به آب، بهداشت و دیگر زیرساخت‌های اساسی زندگی می‌گذرانند، به‌علاوه در معرض برچسب‌ها و استیگماهای^۱ فراوانی در میان افراد جامعه قرار دارند.

دیاس^۲ (۲۰۱۵) برخی از پیامدهای شغل زباله‌گردی را این‌گونه برشمرده است:

-پیامدهای ناشی از مواجهه مستقیم با باد، باران، برف، نور خورشید، گرما و
-پیامدهای ناشی از مواجهه با زباله‌های خطرناکی از جمله مواد سمی همچون سرب و آزبست، و همچنین خون، مدفوع، لاشه حیوانات، شیشه‌های شکسته، سوزن، و اشیاء فلزی تیز و برنده و مواردی از این دست.

-پیامدها و بیماری‌هایی که به واسطه حشرات، مگس، پشه و... ایجاد می‌شوند.
-سایر بیماری‌ها همچون کمردرد، سوزش پوست و جوش و خاصه در معرض خطر سل، برونشیت، آسم، ذات‌الریه، اسهال خونی، و انگل و... (دیاس، ۲۰۱۵: ۳).

امروزه در شهر تهران، گروه‌های آسیب‌دیده متعددی هستند که بعضاً در پژوهش‌های مختلف به آن‌ها پرداخته شده است؛ ولی گروه‌های آسیب‌دیده‌ای هم هستند که تاکنون مورد توجه مطالعات حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی و پژوهش‌های جمعیت‌شناسی شهری قرار نگرفته و یا کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. یکی از این گروه‌ها زباله‌گردها هستند. آمار دقیقی از تعداد این افراد و شواهدی از وضعیت زندگی آن‌ها در دست نیست و تقریباً هیچ‌گونه نظام و یا نهاد سیاست‌گذاری رفاهی، از این گروه‌ها حمایتی به‌عمل نمی‌آورند. این افراد به واسطه

1 Stigma

2 Dias

ماهیت شغل‌شان و یا مسایلی که آن‌ها را به سمت انتخاب این شغل سوق داده است، در معرض مخاطرات جدی هستند.

بر این اساس، این مقاله تلاش دارد تا با نگاهی پدیدارشناسانه و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه به بررسی این پدیده از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی بپردازد. مسلماً از زوایای مختلفی از جمله شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری، می‌توان به مسأله زباله‌گردی پرداخت. با این حال، با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است: (۱) زباله‌گردها بر اساس متغیرهای زمینه‌ای و جمعیت‌شناختی دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ (۲) مهاجرت چه نقشی در ظهور و پیدایش زباله‌گردی دارد؟ (۳) چه سنخ‌شناسی می‌توان از افراد زباله‌گرد ارایه کرد؟ (۴) در نهایت، زباله‌گردی به مثابه شیوه زیست شهری دارای چه ویژگی‌هایی است؟

ملاحظات نظری

در ارتباط با مهاجرت، زمینه‌ها و دلایل آن، رویکردهای نظری بسیاری وجود دارد (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲). در معنای عام، عواملی مانند دافعه مبدأ و جاذبه مقصد، ارتقاء کیفیت زندگی و معیشتی، کسب درآمد و شبکه‌های مهاجران، از جمله عوامل اثرگذار بر مهاجرت به‌شمار می‌روند. موضوع پژوهش حاضر، دلایل و زمینه‌های مهاجرت به‌طور عام، و مهاجرت گروه‌های آسیب‌پذیر شهری به‌طور خاص، نیست. هرچند توجه به این بُعد می‌تواند در شناخت مسایل مهاجرین بسیار راهگشا باشد، بلکه تأکید این پژوهش بر پیامدهای مهاجرت و شکل‌گیری یک شیوه زیست شهری در میان زباله‌گردها است. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از مهاجران به دلایل مختلف، جذب نظام رسمی اجتماعی و اقتصادی شهری نمی‌شوند و به ناچار به سوی اقتصاد غیررسمی قانونی - نظیر زباله‌گردی و دست‌فروشی و گاهاً غیرقانونی - مانند قاچاق و توزیع مواد مخدر - کشیده می‌شوند. امروزه گروه‌های اجتماعی - عمدتاً مهاجر - بسیاری در کلان‌شهر تهران حضور دارند که به شکل دائمی و موقتی مشغول گذارن زندگی هستند. هر کدام از این گروه‌ها دارای شیوه زیست و سبک‌های زندگی خاص خود هستند. گروه‌های آسیب‌دیده، عمدتاً برای ارتزاق و ادامه حیات، در بخش غیررسمی اقتصاد شهری مشغول فعالیت‌اند. از جمله این گروه‌ها می‌توان به زباله‌گردها، کارگران مهاجر، دست‌فروشان مترو و خیابان، رانندگان تاکسی‌های مهاجر، بی‌خانمان‌ها و افراد دارای اعتیاد اشاره کرد.

مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری ۲۰۳

در حال حاضر، زباله‌گردی به یکی از واقعیت‌های زندگی شهری در کلان‌شهر تهران و سایر شهرهای ایران تبدیل شده است. به طوری که هر روز شاهد حضور این افراد در سطح خیابان‌ها هستیم. این افراد، فاقد هرگونه بیمه و تأمین اجتماعی هستند، مکان خواب و زندگی مناسبی ندارند، ساعات کار آن‌ها بیشتر از ساعات رسمی کار است، از کیفیت زندگی بسیار پایین رنج می‌برند. این وضعیت، تنها شامل زباله‌گردها نمی‌شود و گروه‌های آسیب‌دیده دیگر نیز می‌شود.

مفهوم محوری نظری این مقاله، شیوه زیست و سبک زندگی خاص فرودستان شهری مذکور با تأکید بر شیوه زیست شبانه و روزانه زباله‌گردها می‌باشد. در حوزه مطالعات شهری، عمدتاً مفاهیم شهرنشینی^۱ و شهرگرایی^۲ از هم متمایز می‌شوند. شهرنشینی به معنای حضور فیزیکی در شهر است، اما شهرگرایی به شیوه زیست و ابعاد روانی-اجتماعی ساکنان شهر اشاره دارد. شهرگرایی، ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شیوه زیست ساکنان شهر را در بر می‌گیرد و گویی مرحله نهایی و نتیجه شهرنشینی است و برخلاف شهرنشینی، صرفاً یک روند رشد شهری نیست (شکوئی، ۱۳۷۳: ۷۷). از نظر کاوز^۳، شهرگرایی به‌عنوان شیوه زندگی، شامل روابط اجتماعی، نهادها، نگرش‌ها و ایده‌هایی است که به‌ویژه در شهرها ظاهر می‌شود (جلائی‌پور و عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷-۸). بنابراین، منظور از شهرنشینی، تعداد افراد ساکن در مناطق شهری و منظور از شهرگرایی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زندگی در مکان شهری است. یعنی همان الگوها و رفتارهای مرتبط با زندگی در شهر که دربردارنده تغییر در ارزش‌ها، آداب و رسوم و رفتارهای مردم است. به‌طور کلی می‌توان گفت: شهرگرایی، شیوه زندگی ویژه‌ای است که در بستر شهر و شهرنشینی به وجود می‌آید (شارع‌پور، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۲).

توجه به شیوه زیست و سبک زندگی فرودستان شهری عمدتاً ریشه در مطالعات مکتب شیکاگو در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دارد. در این مکتب، مونوگرافی‌های زیادی درباره ماهیت زندگی شهری انجام شد. شامل: خانه به‌دوشان^۴، تالارهای رقص^۵، فحشا، جرایم سازمان‌یافته،

-
- 1 Urbanization
 - 2 Urbanism
 - 3 Caves
 - 4 Tramps
 - 5 Dance Halls

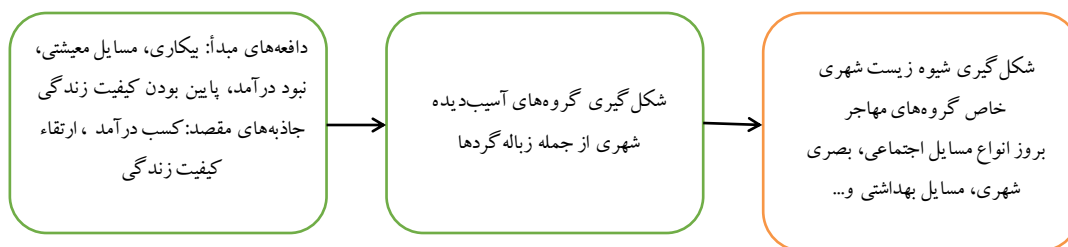
۲۰۴ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بیماری‌های روانی و مناطق فقیرنشین^۱ (اینستادتر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۲۷). عصر طلایی مطالعات مکتب شیکاگو درباره جرم و آسیب‌های زندگی شهری، توسط صاحب‌نظرانی مانند اندرسون^۲ (۱۹۲۳)، تراشر^۳ (۱۹۲۷)، ویرث^۴ (۱۹۲۸)، زورباگ^۵ (۱۹۲۹)، کرسی^۶ (۱۹۳۲)، یونگ^۷ (۱۹۳۲)، رکلس^۸ (۱۹۳۳) و فاریس و دونهام^۹ (۱۹۳۹) به انجام رسید.

شهر به مثابه شیوه زیست و تقابل سبک زندگی شهری - روستایی از دغدغه‌های ویرث^{۱۰} (۱۹۲۸) است. وی با استفاده از نظریات زیمل^{۱۱} مدعی است که شهر، نوع خاصی از شیوه زندگی به نام شهرگرایی را به وجود می‌آورد. این شهرگرایی را می‌توان در نوع لباس پوشیدن، نحوه سخن گفتن، نحوه اندیشیدن، نوع فعالیت، مکان زندگی و نوع روابط اجتماعی در شهر مشاهده کرد (شارع‌پور، ۱۳۹۱: ۱۵۵). به زعم وی، همراه با آزادی، نوعی احساس تهی بودن اجتماعی در شهر پدید می‌آید. گرچه تقسیم کار و تخصصی‌شدن، سبب به‌هم‌وابستگی و انسجام اجتماعی در شهر می‌شود، وجود انگیزه‌های صرفاً اقتصادی باعث می‌شوند که روابط موجود در شهر، ماهیت سلطه و غارت‌گری پیدا کنند (همان: ۱۵۷).

مهاجرت گروه‌های مختلف به شهر از جمله زباله‌گردها، عدم جذب آنها در اقتصاد رسمی شهری، فقر فزاینده و فعالیت زباله‌گردها در اقتصاد غیررسمی شهر تهران، سبک زندگی خاصی را به وجود آورده است که دارای معانی، کنش و واکنش‌ها و... خاص خود هستند. این مقاله تلاش دارد تا این شیوه زیست را در دو بُعد شبانه و روزانه به تصویر بکشد. بخش عمده‌ای از مهاجران به دلیل عدم جذب در اقتصاد رسمی شهری، به‌ناچار به سوی بخش غیررسمی، از جمله زباله‌گردی کشیده می‌شوند. بنابراین زباله‌گردی یک انتخاب نیست. شکل ۱ نگاه نظری پژوهش را نشان می‌دهد:

-
- 1 Slums
 - 2 Anderson
 - 3 Thrasher
 - 4 Wirth
 - 5 Zorbaugh
 - 6 Cressey
 - 7 Young
 - 8- Reckless
 - 9 Faris&Dunham
 - 10 Wirth
 - 11 Simmel



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

پیشینه پژوهش

مسأله زباله‌گردی چند سالی است که در کشور ایران و شهر تهران نمود پیدا کرده است و به همین دلیل، کمتر مورد توجه پژوهشگران داخلی قرار گرفته است. در نگاهی دیگر، معدود پژوهش‌های انجام شده، زباله‌گردی را به‌مثابه یک شیوه زیست شهری مورد مذاقه نظر قرار نداده‌اند، با این حال، در ادامه، به بررسی مطالعات خارجی و داخلی این حوزه پرداخته می‌شود. فیوردی^۱ (۱۹۸۹ و ۱۹۹۰)، در مطالعات خود، ضمن تقسیم روش‌های جمع‌آوری زباله به دو شیوه رسمی و غیررسمی، مشاهداتش از شیوه‌های نامناسب جمع‌آوری غیررسمی زباله در کشورهای آسیایی ارایه نموده است. وی تغییرات ایجادشده در نحوه خروج زباله از شهرها و ایجاد رویکرد بهره‌وری اقتصادی در کشورهای هند، چین، اندونزی، تایلند و فیلیپین را دو دلیل گسترش سریع زباله‌گردی در دهه ۱۹۸۰ میلادی برشمرده و اکثر زباله‌گردها را خانواده‌های فقیر و کودکان معرفی می‌کند. ایشان، ورود شهرداری‌ها و ایجاد امکاناتی که زباله‌گردها بتوانند در زمینه دفع و بازیافت پسماند، دارای شغل‌های سالم‌تر شوند را پیشنهاد کرده است.

نتیجه پژوهشی که به‌منظور بررسی تأثیر بحران‌های اقتصادی بر مشاغل غیررسمی (دست‌فروش‌ها، زباله جمع‌کن‌ها و مشاغل خانگی) در ۱۰ نقطه شهری آسیا، آمریکای جنوبی و آفریقا انجام شد، نشان داد متوسط درآمد خانواده افراد زباله‌گرد، به‌عنوان یکی از سه گروه مشاغل غیررسمی دو دلار در روز است و اندازه خانواده آنها نیز ۴/۷ نفر می‌باشد. ۷۲ درصد از

1 Furedy

پاسخگویان اظهار کردند که در خانواده خود، کودک دارند و به طور متوسط، ۲/۵ کودک در هر خانواده زندگی می‌کند. سطح تحصیلات این گروه‌ها پایین بوده و در این میان، سطح تحصیلات زباله‌گردها از همه پایین‌تر است. به نحوی که ۵۲ درصد آنها حتی مدارس مقدماتی را به اتمام نرسانده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از عدم ثبات درآمد این گروه‌ها در کنار افزایش هزینه‌های زندگی آن‌هاست. به گواه نتایج این پژوهش، بحران‌های اقتصادی باعث رقابتی‌تر شدن فضای کار برای آن‌ها شده است؛ تا جایی که تنها در ماه‌های ژوئن و ژانویه سال ۲۰۰۹، ۴۹ درصد بر جمعیت زباله‌گردها افزوده شده است و بیش‌ترشان نیز زن بوده‌اند (هورن، ۲۰۰۹).

شنک و بلاوو^۱ (۲۰۱۱)، در مطالعه خود در کشور آفریقای جنوبی، ریشه اصلی زباله‌گردی در کشورهای در حال توسعه را بیکاری می‌دانند. طبق نتایج این مطالعه، هرچند زباله‌گردها در جامعه زیاد دیده می‌شوند، اما اطلاعات صحیحی از این قشر وجود ندارد و لذا توجه به آن‌ها ضروری است. وی در مطالعه خود، ارتباطات این افراد با خانواده‌ها و همکاران‌شان را توصیف نموده و با توجه به تأثیرات مهم این شغل و شاغلان آن بر جامعه، سیاست‌گذاری‌های دولت در این زمینه را اجباری دانسته است.

آداما^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی بر روی کودکان زباله‌گرد شهر کادونا در نیجریه، نتیجه گرفت که این کودکان، اجازه دسترسی به زباله‌هایی که دارای پسماندهای قابل بازیافت زیادی هستند، ندارند. این عدم دسترسی در کنار توانایی حمل بار کمتر و ساعات کار کمتر کودکان، کاهش درآمد کودکان را تشدید می‌کند. ضمن این‌که، این کنارگذاری و تبعیض سنی، علاوه بر این‌که در جامعه زباله‌گردها وجود دارد، توسط دولت نیز دامن زده می‌شود و دولت توجهی به کودکان زباله‌گرد ندارد. از این رو سلامت این کودکان به شدت در خطر می‌باشد.

شانتورا^۳ و همکارانش (۲۰۱۴) در تحقیقی که بر روی رفتگران آلمانی انجام دادند، تأثیرات کار کردن با زباله بر مشکلات تنفسی را شدیدتر از آنچه تحقیقات قبلی اعلام کرده بودند گزارش دادند. آنها همچنین آمار بالای مشکلات بینایی و بویایی ناشی از شغل این افراد را گزارش دادند. بر اساس نتایج پژوهش دیاس و همکاران (۲۰۱۵)، در اقتصاد غیررسمی شهرها، به‌رغم تمام تلاش‌های ساختاری و نهادی که صورت می‌گیرد، جمع‌آوری زباله، از مشهودترین مناظر

1 Schenck and Blaauw

2 Adama

3 Schantora

مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری ۲۰۷

شهری هستند؛ تا جایی که قریب به دو درصد از جمعیت شهرها درگیر مشاغل مرتبط با آن هستند. طبق دیگر یافته‌های این پژوهش، زباله‌گردها از محروم‌ترین اقشار جامعه هستند که در جستجوی غذا، لباس و سایر نیازهای اساسی در زندگی روزمره‌شان، زباله‌ها را زیر و رو می‌کنند. برخی از آن‌ها آنچه یافته‌اند را به افراد واسط و برخی دیگر به مراکز بازیافت زباله‌ی رسمی می‌فروشند.

ظهیری نیا و هادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های زباله‌گردی در شهر زاهدان"، به مهم‌ترین علل گرایش به زباله‌گردی در میان تهیدستان شهر زاهدان پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، مهم‌ترین دلایل و زمینه‌های گرایش به زباله‌گردی، مواردی مانند اعتیاد، عدم حمایت دولتی/سازمانی، فقدان حمایت خانوادگی، تنگناهای شغلی و ضرورت تأمین معاش می‌باشند.

افروخته و حجبی‌پور (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان "اقتصاد زباله‌ای در روستاهای پیراشهری جنوب تهران"، به گسترش پدیده زباله‌گردی در شهر تهران پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های مطالعه آنها، وجود سرمایه در گردش عظیمی با حجم یک میلیارد و ۸۰ میلیون تومان در روز که مدیران شهر تهران آن را طلای کثیف می‌دانند، در کنار رکود بخش رسمی اقتصاد کشور، تقاضای بازار کار، فقر چندبعدی، و مرکزیت تهران سبب شده تا نوعی اقتصاد غیررسمی در قالب اقتصاد زباله‌ای، شکل گیرد. همچنین این اقتصاد غیررسمی علاوه بر اثرات نامطلوب فضایی که عمدتاً متوجه سکونتگاه‌های روستایی پیرامون شهر تهران بوده، منجر به ایجاد رانت‌بازی‌ها و فسادهایی در بدنه دستگاه‌ها و نهادهای بخش عمومی و تضعیف بخش اقتصاد رسمی شده است.

در یک جمع‌بندی کلی، همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج پژوهش‌های فوق، بیشتر بر مسایل و آسیب‌هایی که زباله‌گردها با آن مواجهند تأکید دارند و شیوه زیست شهری از جمله مواردی است که یا بدان پرداخته نشده و یا کمتر مورد توجه مطالعات داخلی و خارجی قرار گرفته است. با توجه به اینکه حدود یک دهه از نمود زباله‌گردها در فضای شهرها و کلان‌شهرهای ایران می‌گذرد و این مسأله نوپدید دارای زوایای آشکار و پنهان بسیاری است، این پژوهش سعی دارد به کندوکاو ابعاد اجتماعی و جمعیت‌شناختی این پدیده در شهر تهران بپردازد.

روش تحقیق و داده‌ها

روشی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، روش کیفی پدیدارشناسانه است. در این مطالعه سعی شده با استفاده از مصاحبه و مشاهده، اطلاعاتی درباره زندگی زباله‌گردها و شیوه زیست آنها ارایه و ترسیم شود. دلیل استفاده از روش کیفی در این تحقیق این بوده که پژوهش‌های چندانی در این حوزه انجام نشده، داده‌های زیادی در رابطه با زباله‌گردها وجود ندارد و از سویی، جمع‌آوری اطلاعات و پاسخ‌گویی به سؤالات این تحقیق، از طریق روش‌های کمی و مرسوم مانند پیمایش، امکان‌پذیر نیست. از میان انواع ابزارهای موجود در روش تحقیق کیفی (شامل ابزارهای بصری، مصاحبه و مشاهده)، در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌باز و مصاحبه گروهی استفاده شده است.

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه افراد موسوم به زباله‌گردی است که به‌شکل شبانه‌روزی در سطح شهر تهران مشغول گردآوری پسماندهای خشک هستند. داده‌ها عمدتاً از مناطق ۲۰ و ۵ شهرداری تهران گردآوری شده است.

نمونه‌گیری این تحقیق به دو روش «گلوله برفی» و «نمونه‌های در دسترس» انجام شده است. روش گلوله برفی، یک تکنیک نمونه‌گیری هدفمند مشهور و متداول است که مستلزم استفاده از مطلعان یا مشارکت‌کنندگان اولیه برای شناسایی موارد بیشتری است که ممکن است به تدریج در مطالعه به‌کار روند. این راهبرد نمونه‌گیری، رهیافت مناسبی برای یافتن مطلعین کلیدی است. حجم نمونه، شامل ۴۰ مشارکت‌کننده - پس از حصول اشیاع نظری - است. مشارکت‌کنندگان مرد و بالای ۱۰ سال سن داشته‌اند، همچنین یا فاقد تحصیلات‌اند و یا از سطح سواد پایینی برخوردارند. داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل مضمونی و شیوه‌های کدگذاری مرسوم در پژوهش‌های کیفی مورد تفسیر قرار گرفته است.

یافته‌ها

امروزه، زباله‌گردی، در کلان‌شهر تهران پدیده رایج شهری بوده و گویی از اشارت‌های اصلی کلان‌شهرها می‌باشد. در خیابان‌های شهر تهران، کنار سطل‌های زباله، زباله‌گردها و زباله بر دوش‌ها در پی یافتن زباله‌هایی هستند تا با فروش آنها به خریداران رسمی و غیررسمی، معاش خود را تأمین کنند. تعداد زباله‌گردها در تهران برآورد نشده است اما در هر خیابان و

۲۰۹ مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری

کوچه، افرادی به‌چشم می‌خورند که به اشکال و انحاء مختلف، با خودرو، پیاده، گروهی، انفرادی، رسمی و غیررسمی در پی یافتن زباله هستند.

از آنجا که زباله‌گردهای شهری، از اقشار کم‌درآمد و از طبقات پایین جامعه هستند، در پی فروش این اجناس با هر میزانی که خریدار بپردازد، کسب معاش می‌کنند. جمع‌آوری پسماند در تهران تبدیل به یک شیوه درآمدزایی برای این اقشار بوده و این افراد در نتیجه بروز مسایل اجتماعی مانند بیکاری، فقر، بی‌هویت بودن (برای اتباع غیرایرانی) و مواردی از این دست به این شیوه زیست روی آورده‌اند. با ردیابی و پیگیری زباله‌گردها در تهران و گفتگو با آنها، زباله‌گردی به‌عنوان یک صنعت پرسود اما پنهان در کشور قابل شناسایی است. زباله‌گردی، ویرین داستان پسماند در تهران است. زباله‌گردی در تهران تبدیل به نوعی شغل گذران امور برای افرادی شده است که نسبت به انتخاب نوع شغل، حق انتخاب زیادی ندارند. بخش زیادی از زباله‌گردها در تهران شامل افراد بی‌هویت، اتباع افغانه (عمدتاً بدون مدرک)، افراد دارای اعتیاد، بی‌خانمان، کارتون خواب‌ها و... می‌باشند. زندگی به سبک زباله‌گردی، زندگی خارج از زمان و مکان است و تنها هدف از گذران وقت، جمع‌آوری زباله برای فروش می‌باشد.

وضعیت اجتماعی - جمعیتی زباله‌گردها

مهاجرت: زباله‌گردی در تهران، عمدتاً توسط مهاجرین انجام می‌شود. مهاجرین دو گروه هستند. مهاجرین داخلی (ایرانی) و مهاجرین خارجی (غیرایرانی). مهاجرین ایرانی از دیگر شهرها و روستاهای کشور برای دستیابی به شرایط مناسب‌تر شغلی و زندگی به تهران به شکل فردی و گاهاً خانوادگی مهاجرت کرده‌اند. گروه دوم مهاجرین، مهاجرین غیرایرانی هستند. این افراد، اکثراً افغانستانی و پاکستانی می‌باشند. عده‌ای به‌صورت مجاز و با داشتن مجوز تردد در شهر و اکثراً بدون داشتن حتی کارت شناسایی، با ورود غیرمجاز به ایران، وارد تهران شده و مشغول به کارند.

وضعیت خانوادگی: بسیاری از افراد مورد مطالعه خانواده‌های خود را نیز به همراه آورده و در حاشیه شهر، در کوره‌خانه‌های آجرپزی، زاغه‌های کوچک، شهرک‌های دور از دسترس و... زندگی می‌کنند. عمدتاً بعد خانوار زباله‌گردها بالای ۵ نفر است برخی نیز

۲۱۰ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

خانواده‌های خود را به‌همراه نیاورده و به‌تنهایی زندگی می‌کنند. با وجود این شغل مشقت بار و نبود منزلت اجتماعی و حمایت‌های عمومی دولت، نبود خانواده و حمایت‌های آن موجب شده بسیاری از افراد زباله‌گرد به سمت اعتیاد سوق داده شوند. در مواردی، خانواده‌ها آنها را طرد کرده و فرزندان و همسر، تمایلی به ادامه زندگی در کنار آنها ندارند. در بسیاری مواقع، همسران آنها جدا می‌شوند و همه این عوامل، تسریع‌کننده جذب آنها به اعتیاد و بی‌خانمانی می‌گردد. بسیاری از زباله‌گردها، با خانواده زندگی کرده و شغل خود را به‌عنوان حرفه پذیرفته‌اند.

سطح درآمد و پایگاه اقتصادی-اجتماعی: زباله‌گردی شغلی است که تنها افراد فاقد مهارت شغلی، بی‌سواد و کم‌سواد، مهاجرین بی‌خانمان و بی‌مکان و افرادی که فرصت‌های شغلی بسیار ضعیفی دارند، وارد آن می‌شوند. بنابراین، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سطح درآمد این افراد بسیار پایین بوده-روزانه حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان- و پشتوانه مالی ندارند. کسب درآمد با این شغل، برای زباله‌گرد پیاده‌رو، برای گذران زندگی و امرار معاش می‌باشد. زباله‌گردهایی که با خودرو شخصی در پی جمع‌آوری ضایعات و پسماند خشک هستند، با این گروه‌ها متفاوت بوده و وضعیت بهتری دارند.



تصویر ۱. دستان زباله‌گردها

مشاغل جانبی: زباله‌گردها بنا بر نوع شغل خود و میزان فشار جسمانی و خستگی بر اثر حمل بار و پیاده‌روی طولانی، به ندرت به مشاغل دیگر می‌پردازند. اما بسیاری از آنها در میان پسماندهای خشک جمع‌آوری شده، اجناسی پیدا می‌کنند که ضرورتاً پسماند و زباله نیستند. آنها این پسماندهای سالم و قابل استفاده را در صورت امکان به افرادی که خریدار آنها باشند، می‌فروشند. زباله‌گرد حرفه‌ای، زمان خود را صرف هیچ کاری جز جمع‌آوری پسماند خشک نمی‌کند. چرا که درآمد حاصل از این شغل برای وی درآمد مناسبی است. اما زباله‌گرد دارای اعتیاد و یا کارتن‌خواب، به محض یافتن پسماند سالم، جمع‌آوری زباله را رها کرده و آن را برای فروش به جاهایی مثل بازار سیداسماعیل و بازارهای شیطان - که اغلب معتادان، کالاهای کهنه خرید و فروش می‌کنند - برده و به‌فروش می‌رساند. همچنین زباله‌گرد معتاد در پی یافتن پسماند ارزشمندتر و گران‌تر، مانند فلز و پت می‌باشد. اگر پسماندهای مناسبی یافت نشد، در صورت اجبار، دست به سرقت می‌زنند؛ البته دیگر مشاغل جانبی مانند نگهداری و مراقبت از گاراژها، مراقبت از سگ‌های گاراژها، دیده‌بانی و کارهایی از این دست، مشاغلی است که زباله‌گردهای مستقر در گاراژها نیز انجام می‌دهند.

بیماری‌ها: بیماری‌های زباله‌گردها عمدتاً برای خود آنها پدیده‌ای مغفول و ناشناخته است، چراکه آنها تمایلی به آزمایش و کنترل سلامت خود ندارند. به‌ویژه زباله‌گردهای دارای اعتیاد که به دلیل ترس از دستگیر شدن و ترک اعتیاد، تا حد ممکن از این امر دوری می‌کنند. بسیاری از معتادان زباله‌گرد به دلیل بریدگی‌های زیاد روی دست و پا، دچار بیماری‌های زخمی و پوستی هستند. پس از مصاحبه با مسئول یکی از گرم‌خانه‌های تهران مشخص شد در یکی از آزمایش‌های اجباری اسکان‌شوندگان در گرم‌خانه، بیشتر زباله‌گردها بیماری‌های پوستی (مانند قارچ و اگزما) و هیپاتیت داشته و خود از آن مطلع نیستند.

۲- سنخ‌شناسی زباله‌گردی

در یک دسته‌بندی کلی، می‌توان گفت که زباله‌گردی در شهر تهران به دو شیوه انجام می‌شود: رسمی و غیررسمی.

جدول ۱. سنخ‌شناسی زباله‌گردهای شهر تهران

سنخ‌شناسی زباله‌گردی		
زباله‌گرد حرفه‌ای	زباله‌گرد رسمی	به لحاظ رسمی بودن شغلی
زباله‌گرد مهاجر غیر ایرانی مجاز		
زباله‌گرد مهاجر تنها		
زباله‌گرد کارت‌تون‌خواب دارای اعتیاد به مواد مخدر	زباله‌گرد غیررسمی	
زباله‌گرد دارای اعتیاد به مواد مخدر		
زباله‌گرد غیررسمی با وسیله شخصی		
زباله‌گرد مهاجر بی‌هویت		
زباله‌گرد غیرزباله‌گرد		

الف - زباله‌گردهای رسمی:

این دسته از افراد، زباله‌گردی را به صورت حرفه‌ای انتخاب کرده و گروه‌های مختلفی دارند. زباله‌گردهای رسمی، افرادی هستند که توسط پیمان‌کاران ایستگاه‌های بازیافت شهرداری در شهر، استخدام شده و به شیوه‌های مختلف، زباله جمع می‌کنند. آنها در نهایت، زباله‌ها را به ایستگاه تحویل داده، حقوق ماهیانه و یا معادل وزن بار هزینه‌ها را از پیمان‌کار ایستگاه دریافت می‌کنند. زباله‌گردهای رسمی، خود در چند گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- زباله‌گرد حرفه‌ای: این گروه، افرادی هستند که زباله‌گردی را به عنوان حرفه و شغل خود انتخاب کرده و به آن به عنوان تنها راه منبع درآمد نگاه می‌کنند. زباله‌گردهای حرفه‌ای، اغلب سرپرست خانوار بوده و نسبت به بیماری‌های ناشی از زباله، آگاهی دارند آنها از دستکش‌های صنعتی، کلاه و ماسک استفاده می‌کنند تا ضمن حفظ سلامت خود، اعضای خانواده را درگیر بیماری نکرده و از هزینه‌های احتمالی اجتناب کنند. بسیاری از زباله‌گردهای حرفه‌ای، خود را بیمه کرده و از بیمه برای درمان استفاده می‌کنند و سبک زندگی یک شهروند معمولی را حق خود می‌دانند. درآمد این افراد از مابقی زباله‌گردها بیشتر بوده و برای تأمین معاش همسر و فرزندان، پدر و مادر و گاهی خواهر و برادر، تلاش می‌کنند. آنها ساعات کار طولانی‌تری دارند و نظم کاری در فروش زباله را برای خود انتخاب می‌کنند. این افراد، زباله‌های تفکیک‌شده را فقط به یک گروه یا افراد خاص فروخته و پول خود را می‌گیرند. آنها

مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری ۲۱۳

اکثراً در خارج از شهر، محله‌های حاشیه‌نشین، کوره‌های آجرپزی و زاغه‌های کوچک زندگی می‌کنند؛ اما نسبت به زندگی در شهر تهران برای خود حق قایل بوده و معتقدند برای مردم شهر زحمت می‌کشند. یکی از آنها این‌گونه بیان می‌کند:

روزانه ۸ تا ۱۰ ساعت مستمر کار می‌کنم و به‌دنبال پس‌ماند خشک می‌گردم. ابتدا تنها بودم و لی این روزها پسر هم بزرگ شده و به‌همراه من برای بسته‌بندی کردن زباله‌ها به خیابان و کوچه می‌آید. درآمد اصلی زندگی‌مان را از این راه تأمین می‌کنم (زباله‌گرد. مهاجر افغان، ۲۰ساله).

۲- زباله‌گرد مهاجر غیرایرانی مجاز: این زباله‌گردها دارای کارت آمایش و اقامت در ایران هستند. آنها هویت شناخته‌شده دارند. آنها در تهران زندگی کرده و زیر و بم زندگی به سبک ایرانی و تهرانی را آموخته‌اند. اما با تکیه بر ملیت غیر ایرانی خود، زندگی به سبک زباله‌گردی را انتخاب کرده‌اند. اکثر زباله‌گردها این‌گونه، به سبک طبقه اجتماعی پایین، گذران زندگی می‌کنند؛ اما این به‌معنای فقیر و بی‌پول بودن آنها نیست. کار و زندگی در تهران موجب انباشت نسبی ثروت آنها شده و تا حدودی برای خود پول و پس‌انداز کسب کرده‌اند. آنها اکثراً دارای خانواده می‌باشند، ازدواج کرده و یا با والدین خود زندگی می‌کنند. زباله‌گردی برای این افراد، یک راه کسب درآمد پایدار بوده و در طول سالیان، سبک رفتارهای شغلی خود را تغییر نمی‌دهند.^۱ این افراد عموماً مانند سرپرستان خانوار عمل می‌کنند، اما برای اینکه چندان درگیر زباله‌گردهای دیگر نباشند، برای خود یک چرخ دستی تهیه کرده و در محله‌های دورافتاده‌تر و جاهایی که فروش زباله برای‌شان راحت‌تر باشد^۲، زباله خشک جمع‌آوری می‌کنند. این زباله‌گردها اکثراً زباله‌ها را به خریداران مشخصی می‌فروشند و زباله‌های خشک را علاوه بر مخازن، از درب منازل نیز خریداری می‌کنند و در مقابل آن به شهروندان، پول یا لوازم پلاستیکی کم‌ارزش می‌دهند. در واقع، گونه‌ای مبادله کالا به کالا نیز انجام می‌دهند. آنها اکثراً سال‌ها این شغل را داشته و خواهند داشت، مناسبات خاص خود را با خریداران ضایعات دارند و برای جمع‌آوری پس‌ماند خشک، از فرزندان پسر و دامادهای خود نیز

۱ به عنوان مثال، منطقه صالح آباد، خزانه بخارایی؛ شهری و مرتضی گردو بسیاری از مناطق حاشیه ای در تهران دارای سکنه بسیار قدیمی با این سبک زندگی و هویت است. زباله‌گردهای حرفه ای با چرخ دستی (سالها با استفاده از همین روش) زباله جمع آوری کرده‌اند.

۲ مثل تقی‌آباد؛ خللازیر، یافت آباد؛ محمود آباد و...

کمک می گیرند. همچنین این افراد برای انبار کردن پسماند خشک، گوشه‌ای از محل سکونت خود را انتخاب می کنند. جایی مثل حیاط یا انبار خانه، که در آن امکان نگهداری پسماند به مدت چندروز در طول هفته وجود داشته باشد. این افراد معمولاً خانه‌هایی ارزان قیمت در پیرامون تهران (مانند اسلامشهر، رباط کریم و...) دارند و برای حمل و نقل پسماند خشک به خریداران، متحمل زحمت نمی شوند.

چند سال برای کار مجبور شدم کارگر ساختمانی باشم و یا گاهی به میدان فعله‌های محلی می رفتم و منتظر بودم تا یکی منو به کار ببرد. اما مدتی بیکار و بی پول شدم. یکی دو بار که پسماند خشک و پلاستیک جمع‌آوری کرده و فروختم، دیدم پولش به روزه و خانواده‌ام درمانده نمی شوند. دیگر از آن روز، مرتب پلاستیک و ضایعات خشک جمع می کنم و می فروشم. یکی دو ساله که به چرخ دستی هم دارم و کمک کرده بار بیشتری جمع‌آوری کنم و درآمد بیشتر بشه. گاهی اوقات هم به خانم‌های خانه دار و مغازه‌دارها سرمی زنم و ضایعات شون رو با قیمت کم می گیرم و یا به کادوی کوچک پلاستیکی می دهم به آنها. برای من که افغانم و کار دیگر بلد نیستم، بهترین کاره (زباله‌گرد افغان ۲۱ ساله).

۳- زباله‌گرد مهاجر تنها: این افراد معمولاً به تنهایی زندگی می کنند و برای اسکان به مراکز اسکان کارگری مراجعه می کنند. برای جمع‌آوری زباله، از ابتدا تا انتهای فرایند زباله‌گردی و تفکیک را تجربه کرده و به فراخور تشخیص خود و پیمانکار در هر مرحله‌ای که ممکن باشد، فعالیت می کنند. این مراحل شامل جمع‌آوری از سر مخازن، تفکیک راس مخازن، جمع‌آوری و مدیریت زباله‌گردهای دیگر، تفکیک پسماند تر و خشک در ایستگاه، رانندگی ملودی، جمع‌آوری پسماند خشک از اهالی، کمک به راننده و... می باشد. این افراد، تنها کسانی هستند که به دلیل نداشتن هیچ گونه تعهدی (اعم از اجتماعی و فردی)، امکان همکاری با بازار رسمی و غیررسمی را دارند. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش چنین می گوید:

به جز من، تعداد زیادی زباله‌گرد وجود دارد که برای کار زباله‌گردی می کنند. برای استراحت هم به گرمخانه یا ساختمان اسکان کارگری می ریم. اما آنجا خیلی شلوغ و کثیفه (زباله‌گرد مهاجر افغان، ۱۶ ساله)

ب- زباله‌گرد غیررسمی:

این سنخ، بخش عمده زباله‌گردان شهر تهران را تشکیل می‌دهند، آنها افرادی هستند که بنابه دلایل مختلف، نمی‌توانند در سیستم جمع‌آوری زباله جذب شوند. به همین دلیل، تنها با جمع‌آوری زباله و فروش آن به گاراژها و مراکز خرید و فروش ضایعات در خارج از شهر و به دیگر زباله‌گردها کسب معاش می‌کنند. سیستم زباله‌گردی غیررسمی مربوط به بازار ضایعات مستقل از شهرداری می‌باشد. بازار آزاد ضایعات، رقیب جدی شهرداری و پیمانکاران در جمع‌آوری زباله در مناطق مختلف شهرداری است. زباله‌گردهای غیررسمی نیز انواع مختلفی دارند. بر اساس مشاهدات، این گروه، بخش بزرگی از زباله‌گردهای شهر تهران را تشکیل می‌دهند، اما ضریب اثر آنها در جمع‌آوری و تفکیک پسماند، عدد بسیار کوچکی است.

در ادامه، به سنخ‌شناسی زباله‌گردهای غیررسمی پرداخته می‌شود:

۱- زباله‌گرد معتاد کارتون‌خواب: این گروه از افراد، خود را دوره‌گرد می‌دانند و زباله‌گردی را شغل خود تعریف نمی‌کنند. دوره‌گردی برای این افراد، سطح بالاتری از زباله‌گردی است؛ چرا که علاوه بر زباله‌گردی و کارتون‌خوابی و اعتیاد، نوعی سبک زندگی خاص خود را دارد. از آنجا که جمع‌آوری زباله مناطق در کنترل پیمانکاران منطقه‌ای است و شهرداری مجوز جمع‌آوری زباله را به آنها داده است، بنابراین، زباله‌گردهای معتاد که برای تأمین مواد مخدر اقدام به زباله‌گردی می‌کنند، انتظار درآمد زیادی از این کار را نداشته و برای آنها فقط زنده ماندن و تأمین مواد مخدر کافی است. از طریق کمک‌های عابریان و مردم عادی و کاسب‌ها و پسماندهای غذا در سطل‌های مخازن زباله تغذیه می‌کنند. این افراد، اغلب مجرد یا طلاق‌داده هستند و یا خانواده آنها را ترک کرده‌اند. در میان این افراد، از قشر تحصیل‌کرده نیز به چشم می‌خورد که به‌رغم داشتن تحصیلات، به دلیل اعتیاد، خانه و خانواده خود را ترک کرده‌اند. بسیاری از آنها، مهاجر و برخی نیز غیرمهاجر بوده و خانواده‌های خود را گاهاً می‌بینند. در این میان، تعداد اتباع افغانستانی معتاد بسیار کم‌تر از دیگران است.



تصویر ۲. زباله‌گرد دارای اعتیاد

شب تا صبح و صبح تا شب از جلوی بیمارستان و پاساژ، وسیله و پلاستیک و کاغذ و آلومینیوم جمع می‌کنیم. بعضی شب‌ها از موم می‌دزدند شون و بی‌مواد می‌مانیم. بعضی شب‌ها هم یکی پیدا می‌شه بی دردسر همین‌جا از موم می‌خره، می‌بره و پولش تم نقد حساب می‌کنه. ما دوره‌گردیم و معتاد. شب‌ها هم هر جا گیر آوردیم، می‌خوابیم. بعضی مواقع هم از ترس یخ زدن تا صبح نمی‌خوابیم (زباله‌گرد معتاد، ۲۸ ساله).

زباله‌گرد معتاد کارتون خواب، امکان حمل بار سنگین ندارد. بنابراین، تنها تا حدودی می‌تواند بار حمل کند. به سرعت مورد سرقت بار قرار می‌گیرد و اغلب، ساعت کار متفاوتی نسبت به دیگران برای خود انتخاب می‌کند. این افراد جمع‌آوری زباله را در ساعات انتهایی شب آغاز می‌کنند و برای جلوگیری از سرمازدگی در ساعات شب (در فصل زمستان)، تا صبح پیاده‌روی کرده و زباله‌های مناسب را تفکیک می‌کنند!

۱- زباله‌فروشی رسمی، به اشتغال به کار پیمانکاران ایستگاه‌های بازیافت گفته می‌شود. زباله‌فروشی غیررسمی، گاراژها و زمین‌ها و مکان‌های ضایعاتی می‌باشند که بدون داشتن هیچ نوع همکاری با شهرداری، اقدام به جمع‌آوری و فروش ضایعات و پسماندهای خشک شهر تهران می‌کنند. عوامل این گروه نیز با عوامل پیمانکار رسمی شهرداری در تهران متفاوت است. آنها در نهایت باید با سختی و مقاومت اهالی شهرداری و پیمانکاران در شهر و محلات تردد کنند. این تقابل، گاهی تبدیل به جنگ و جدال فیزیکی می‌شود.

مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری ۲۱۷

۲- زباله‌گرد معتاد دارای جا و مکان: این افراد برای خود، در گوشه‌ای از گاراژها و مراکز ضایعات بازار غیررسمی و یا در گوشه‌ای از پاساژها جا و مکانی پیدا کرده‌اند. آنها از طریق زباله‌گردی، مواد مخدر خود را تأمین می‌کنند و توسط صاحبین این گاراژها تغذیه می‌شوند. این افراد، اغلب طرد شده هستند و خانواده خود را نمی‌بینند.

بیشتر روزها پسماند جمع می‌کنیم و شب‌ها مصرف می‌کنیم و می‌خواهیم. جای خواب‌مون هم معمولاً یه جا گوشه گاراژ می‌خواهیم. صاحب گاراژ برای اینکه یه نگاهی هم به گاراژ بندازیم، راضیه ما اونجا باشیم. روزی ده-پونزده کیلو تا بیست کیلو جمع می‌کنیم و می‌فروشیم. از صبح راه می‌ریم و سطل زباله می‌گردیم؛ تا وقتی که پول اون روز دربیاد (زباله‌گرد معتاد ۳۳ ساله).

۳- زباله‌گرد غیررسمی با وسیله شخصی: این گروه، افرادی هستند که در طول روز، با استفاده از وسیله‌های شخصی، مانند وانت، مزدا، نیسان و... با داشتن یک نفر زباله‌گرد به سرعت، سر سطل‌های زباله حاضر شده و اطراف ماشین‌های باری خود را می‌پوشانند تا ظاهر فعالیت آنها دیده نشود. به این ترتیب، زباله‌های قابل بازیافت را تفکیک کرده و در کیسه‌هایی جاسازی کرده و در نهایت، با سرعت بالا، سوار خودروی باری خود شده و از محل سطل زباله فاصله می‌گیرند. شرط مهم برای زباله‌گردان غیرمعتاد غیررسمی، خرید پسماند به قیمت بالاست. تنها در این صورت است که خریداران غیررسمی بازار ضایعات می‌توانند زباله‌گردها را به‌کار بگیرند.

هفت، هشت نفریم که از بعد از ظهر تا نه و ده شب، پلاستیک و فلز و کارتون و هرچه که بخرند جمع‌آوری می‌کنیم. روزانه با ماشین نیسان، حدود دو تن جمع می‌کنیم و به ضایعاتی خارج از تهران می‌فروشیم. قیمت پرداختی‌شون مناسب‌تر از شهرداریه. روی نیسان را با برزنت می‌پوشونیم تا کسی کاری به کارمون نداشته باشه (زباله‌گرد با وسیله شخصی ۳۲ ساله).

۴- زباله‌گرد مهاجر بدون مدرک: این افراد، اکثراً زیردست خریداران غیررسمی ضایعات، مشغول کار هستند. اکثر این افراد افغانستانی بوده و به دلیل عبور غیرمجاز از مرز و ورود به کشور، دارای کارت هویت نبوده و به‌صورت قاچاق در کشور زندگی و کار می‌کنند. خریداران غیررسمی ضایعات، این افراد را به‌شرط جمع‌آوری پسماند خشک و فروش آنها به قیمت

ارزان به این گونه مراکز، اسکان داده و جابجایی و حمل و نقل می‌کنند. زباله‌گردی برای این افراد نیز یک شغل و حرفه رسمی و قطعی است و تنها راه کسب درآمد برای آنها همین شغل است. آنها به ناچار^۱ در گاراژها اسکان گزیده و مشغول به کارند.

من و برادرم و دامادمون، با چند نفر دیگر، در یکی از گاراژهای خلایق، در یک اتاق کوچک، شب‌ها می‌خوابیم و از حوالی غروب که مأموران شهرداری نیستند، برای جمع‌آوری بار به خیابان می‌آییم. پنج‌شش ساعت فرصت داریم زباله جمع‌آوری کنیم؛ تا دوازده شب. صاحب گاراژ، همه را به نصف قیمت شهرداری ازمون می‌خرد؛ چون جای خواب هم به ما می‌دهد. روزها هم همان‌جا می‌مانیم تا شب بشود (زباله‌گرد افغانستانی غیرمجاز ۲۳ ساله).

۵- زباله‌گرد غیرزباله‌گرد: برخی از زباله‌گردها در واقع، شغل اصلی و رسمی‌شان زباله‌گردی نیست. به عنوان مثال، مشاغلی از قبیل سرایداری ساختمان، فروشنده فروشگاه، نظافت‌چی و... دارند. این افراد در کنار شغل اصلی‌شان، زباله‌های تمیز مانند کارتون، بطری پلاستیکی نوشابه، قوطی کنسرو، ظروف آلومینیومی یک‌بار مصرف و... که از نظر بهداشتی آنها را درگیر نمی‌کند، جمع‌آوری نموده و پس از چند روز آنها را به خریداران می‌فروشند.

کار اصلی من، سرایداری یک ساختمان مسکونی است. اهالی این ساختمان زباله‌هاشان را تفکیک نمی‌کنند. ولی من چندبار خودم پلاستیک و نان خشک و کاغذ مقواهاشان را جدا کردم و به ضایعات محلی فروختم. در کنار شغل خودم، این کار، یک منبع درآمد مناسب برای من است. گاهی که وقت پیدا می‌کنم به کوچه‌ها و ساختمان‌های اطراف هم سر می‌زنم و آنجا را هم می‌گردم (سرایدار ساختمانی. ایرانی، ۴۷ ساله).

۱- از واهمه دستگیر شدن توسط پلیس و بازگشت به افغانستان



تصویر ۳. زباله‌گرد غیررسمی

زباله‌گردی به مثابه شیوه زیست شهری

زندگی به سبک زباله‌گردی دارای دو بُعد زیست روزانه و زیست شبانه می‌باشد. این شیوه‌های زیست، بر مبنای سنخ‌شناسی زباله‌گردها دارای تفاوت‌هایی است.

۱. زیست روزانه زباله‌گردی:

الف: زباله‌گردهای غیرحرفه‌ای

زباله‌گردی در طول روز در همه مناطق شهر اتفاق نمی‌افتد. از آنجا که تولید زباله در طول روز، اتفاق می‌افتد و خروج آن به سمت مخازن زباله در اواخر روز می‌باشد، در مناطق مرکزی شهر، اماکن تجاری و اداری و محدوده طرح ترافیک که شلوغ‌تر و دارای قوانین خاص با ضمانت اجرایی شهری و قضایی است، قوانین نانوشته‌ای وجود داشته و افراد به‌ناچار تابع این شرایطند. زباله‌گردی حرفه‌ای، در طول ساعات روشنایی روز وجود ندارد، اما زباله‌گردهای معتادی دیده می‌شوند که گه‌گاه در کنار سطل‌ها و مخازن زباله در پی یافتن زباله خشک و فلز

هستند. این افراد، پس از گذشت چند ساعت و نزدیک شدن به غروب آفتاب، در کنار یکی از پربارترین مخازن نشسته و منتظر پر شدن مخزن زباله می‌شوند. برای همین، به‌عنوان یک شهروند، زمانی که از کنار برخی مخازن عبور می‌کنیم، زباله‌گردهایی را می‌بینیم که در گوشه‌ای نزدیک مخزن زباله، نشسته و ملتسمانه به رهگذران نگاه می‌کنند. همین شیوه نگاه کردن به رهگذران، از مهمترین روش‌های اخذ غذا از مردم است. باید گفت آنها زباله‌گرد گدا و متکدی نبوده و از مردم درخواست چیزی نمی‌کنند. بلکه با سبک‌های رفتاری خود، از مردم غذا دریافت می‌کنند.

لباس‌های کثیف ما را در شب نگاه نکنید. روزها، لباس‌های تمیز خودمونو می‌پوشیم و مثل مردم عادی می‌آییم بیرون، پارک، تفریح و خرید می‌کنیم. ما هم مثل همه مردم شهر زندگی نیم‌زباله‌گرد بدون مدرک افغان ۲۰ ساله).

زمانی که زباله‌گرد معتاد، در طول روز، چند کیلو کاغذ، پلاستیک و فلز زباله، مانند قوطی نوشیدنی، ظروف یک‌بارمصرف، میخ و سیخ و پیچ، تکه‌های درب نوشابه و امثالهم را جمع‌آوری کرد، به سمت میدان شوش و دروازه غار، میدان امام حسین و یا خلایزیر حرکت می‌کند تا یافته‌های خود را به فروش رسانده و در محلی مشغول مصرف مواد مخدر شود. این افراد، برخی مواقع نیز پس از جمع‌آوری زباله‌های خود، در گوشه‌ای تاریک و نشان‌شده از پیش، نشسته و منتظر رسیدن خریداران ضایعات می‌شود. در این حالت، پسماندها راحت‌تر فروخته شده و کمک به ادامه دوره گردی می‌کند. گاهی نیز با آغاز ساعات شب، در جایی که همه معتادان دیگر دور هم هستند، او نیز اطراق کرده و به نشئه‌گی مشغول می‌شود. در کل، این افراد در طول روز، فقط یک شیفت با حجم کم، امکان جمع‌آوری زباله دارند. پس از آن، باید در جایی نشسته و استراحت کنند و بعد در پی خرید مواد باشند.

ب: زیست روزانه زباله‌گردهای حرفه‌ای و مجاز:

زیست روزانه زباله‌گرد حرفه‌ای، زیست روزانه یک زباله‌گرد معمول است. این افراد، گونی‌به‌دوش یا با چرخ‌دستی، در محله‌های حاشیه‌ای که کمتر در تیررس نگاه اهالی شهرداری و عوامل پیمانکاران است، مشغول جمع‌آوری پسماند خشک می‌باشند. در پایان روز، پسماندهای جمع‌آوری شده را به سمت محل زندگی و انبار خصوصی پسماند منتقل کرده و ساعات کاری خود را به پایان می‌رساند. در نهایت، از این گروه، زندگی معمول یک شهروند انتظار می‌رود.

مهاجرت و زباله‌گردی، به‌مثابه شیوه نوظهور زیست شهری ۲۲۱

روزها بعد از اتمام ساعت کار، به خانه برمی‌گردم و کنار خانواده هستم. بعضی روزها هم که کاری مثل نظافت و جاروکاری پیش میاد انجام می‌دم. روزها از حوالی ظهر شروع می‌کنم و تا غروب کار می‌کنم و هفته‌ای یکی دو بار، بار جمع‌آوری شده را به ضایعاتی‌ها می‌برم و می‌فروشم (زباله‌گرد افغان ۲۰ساله).

ج: زیست روزانه زباله‌گردهای مهاجر غیرمجاز:

این مهاجران و زباله‌گردهای غیرمجاز، در طول روز، تنها در محل اسکان خود بوده و گاهی نیز به فعالیتی مانند تفکیک در سالن می‌پردازند. این افراد، در طول روز امکان جمع‌آوری پسماند را نداشته و ممکن است توسط کلانتری و یا عوامل شهرداری مورد آزار و اذیت قرار بگیرند. بنابراین، در طول روز در محل اسکان بوده و یا زباله‌های خشک را تفکیک می‌کنند. اغلب این زباله‌گردها در گاراژهای غیررسمی و ضایعاتی‌های اطراف تهران ساکنند.

روزها بیرون نمی‌آیم. اگه پلیس یا کلانتری یا حتی مأموران شهرداری ازم کارت هویت بخواهند، چیزی ندارم که نشون بدم. اون‌ها هم سریع منو می‌گیرند و به کشورم برمی‌گردوند. روزها داخل سالن زباله تفکیک می‌کنم یا می‌نشیم داخل اتاقم و شب‌ها کار می‌کنم (زباله‌گرد بدون مدارک هویتی، ۲۰ساله).

۲. زیست شبانه زباله‌گردی:

زیست شبانه، مهمترین بخش زیست زباله‌گردها است. از حوالی عصر تا غروب، اکثر پسماندهای تولید شده از محل خارج شده و به سمت سطوح‌های زباله، روانه می‌شوند. منازل مسکونی، اغلب تا ساعت ۹ شب پسماندها را از منازل خارج می‌کنند. فروشگاه‌های کوچک، در طول روز زباله چندانی ندارند. اما از غروب به بعد (که تهران زیستگاه جدیدی برای اهالی شده و سبک زندگی شب آغاز می‌شود)، تولید پسماند در فروشگاه‌های کوچک به‌ویژه رستوران‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها و سوپرمارکت‌ها آغاز می‌شود. اماکن تجاری که دارای ساعت کار مشخصی هستند، از حوالی ساعت ۵ عصر و غروب به بعد، زباله‌های تولیدشده را به بیرون از ساختمان هدایت می‌کنند. بازارهای اصلی تعطیل می‌شوند و پسماندهای کاربردی قابل

بازیافت، دیده می‌شوند. در این ساعت از روز، زباله‌گردی واقعی و حرفه‌ای توسط زباله‌گردها آغاز می‌شود. از حوالی غروب به بعد تا آخرین ساعات شب، زباله‌گردها به سمت سطل‌های زباله حرکت می‌کنند تا پسماندهای خشک را تفکیک کرده و انباشت نمایند. بیشترین انباشت و جمع‌آوری بار پسماند، در همین ساعات انتهایی روز انجام می‌شود و از هر زباله‌گرد انتظار می‌رود بین صد تا صدوپنجاه کیلوگرم بار مفید به پیمانکار یا ضایعاتی تحویل دهد. پس از انباشت زباله‌ها، خوردوهای باری آزاد پیمانکاران و خوردوهای سنگین (فان) به محل انباشت بار مراجعه می‌کنند. برخی از زباله‌گردها، زباله‌های جمع‌آوری‌شده خود را به دارندگان خوردوهای باری می‌فروشند و پس از تحویل گرفتن وجه توافقی، زباله‌ها را تحویل می‌دهند. برخی از زباله‌گردها نیز از ابتدا، زباله‌ها را برای خود جمع‌آوری کرده و به محل ایستگاه‌های پسماند مراجعه نموده و بار خود را در آنجا به فروش می‌رسانند.

زباله‌گرد بی‌هویت و غیرمجاز که تحت لوای پیمانکار، امکان اشتغال و کار نداشته باشد، از حوالی غروب و در محله‌های مشخص، مشغول به جمع‌آوری پسماند می‌شود. این عمل، عموماً به صورت کار جمعی و گروهی اتفاق می‌افتد تا در نهایت، مقدار بار جمع‌آوری‌شده، قابل توجه باشد. یک تیم سه تا چهار نفره، اکثراً در اطراف سطل‌های زباله، نزدیک به هم مشغول شده و زباله‌های جمع‌آوری‌شده را در یک مکان انبار می‌کنند. در نهایت، خوردوهای باری و سنگین ضایعات در ساعات انتهایی شب یا نیمه شب، در محله‌ها و مکان‌های قرار پیدا شده و با کمک هم، پسماندهای تلنبارشده را وارد فان و یا خوردوهای باری می‌کنند. به این ترتیب، انبارکردن بار متوسط، برای هر زباله‌گرد در ساعات شب، سرعت بیشتری دارد. هر زباله‌گرد، تا ساعات انتهایی شب، بیشتر از ۱۰۰ کیلوگرم زباله را به صورت فردی و بیشتر از یک تن را به صورت گروهی از زباله‌های درهم به دست می‌آورد.



تصویر ۴. جابار^۱

زباله‌دزدی

یکی از پرتنش‌ترین و پرچالش‌ترین اتفاقات زندگی زباله‌گردها در شب، درگیری در پدیده زباله‌دزدی و یا مورد سرقت واقع شدن است. به این ترتیب که بدون شک در صورت مشاهده سارق، تنش و اصطکاک بین زباله‌دزد و زباله‌گرد رخ می‌دهد. در این میان، در صورتی که طرفین به توافق نرسند، غالباً پیمانکار وارد عمل شده و مجبور به خاتمه جدال با پرداخت هزینه‌ها به طرف مقابل و یا ورود قانونی به جدال می‌شود.

زباله‌دزدی به شرایطی گفته می‌شود که زباله‌های جمع‌آوری شده زباله‌گردها به شیوه‌های مختلف، توسط دیگر افراد از او سرقت و یا زورگیری شده و زباله‌گرد که فردی ضعیف و بدون قدرت اعتراض است، به‌ناچار باید سکوت کرده و چیزی نگوید تا آسیب جسمانی نبیند. در برخی مناطق شهر، زباله‌دزدی پدیده‌ای درآمدزا است. در حدی که زباله‌گردهای آن مناطق، برای حفظ زباله‌های انباشته‌شده، حاضرند وارد جدال فیزیکی شوند اما اجازه بردن زباله‌های

۱- جابار اصطلاح محلی است که توسط زباله‌گردها به عنوان محل انبار پسماند خشک تفکیک و جمع‌آوری شده گفته می‌شود.

خود را به کسی ندهند. زباله‌دزدی، اشکال و انواع مختلفی دارد:

شب‌های زیادی هست که زباله‌ها را جمع کردیم و بسته‌بندی کردیم و منتظر فان هستیم تا بیایند و ببرند. ناگهان افرادی از راه می‌رسند و سر ما را گرم می‌کنند و با ماشین‌های باری ناشناس، زباله‌های جمع‌شده را می‌دزدند. اگر دست‌مون بهشون برسه، با جنگ و دعوا زباله‌ها را پس می‌گیریم و زباله‌های آنها را هم می‌گیریم. اما بیشتر مواقع، طوری دزدی می‌کنند که متوجه نمی‌شویم و دست‌مون به جایی بند نمی‌شود. فقط بین خودمون دعوا می‌کنیم که چرا حواس‌مون نبوده (زباله‌گرد شب‌گرد، ۲۰ساله).

جابار را مرتب عوض می‌کنیم. چون کسانی که ما را می‌شناسند، می‌دانند که جابارمان کجاست و ناغافل بارمان را در ساعت خلوت آخر شب می‌دزدند. این کار خیلی تکرار شده و گاهی ما هم خسته‌ایم و قدرت دعوا نداریم (زباله‌گرد نگهبان پسماند، ۲۷ساله).

- **زباله‌دزدی زباله‌گرد از زباله‌گرد:** گاهی اوقات، در ساعات انتهایی شب که زباله‌گردها جای بار داشته و در حال انبارکردن پسماند خشک هستند، ناگهان زباله‌گردهای غیررسمی با خودروی باری، با سرعت بالا سررسیده و در چشم‌به‌هم‌زدنی، پسماندهای جمع‌آوری شده را برداشته و فرار می‌کنند. معمولاً این در شرایطی اتفاق می‌افتد که زباله‌گردها مشغول به کار در جای دیگر باشند و یا در محل حاضر نباشند؛ در غیراین صورت زباله‌دزدی به شیوه مذکور، به زدوخوردهای فیزیکی منجر می‌شود. زباله‌دزدها عموماً پسماندهای به‌دست‌آمده را در بازار آزاد پسماند به‌فروش می‌رسانند.

- **ضبط زباله از زباله‌گرد توسط مأموران انضباط شهری:** در این حالت، به لحاظ قانونی، مأموران انضباط شهری اجازه ضبط پسماندهای جمع‌آوری شده توسط زباله‌گردها را ندارند. طبق قوانین پیمان عملیات تفکیک در مبداء، پیمانکاران حق استفاده از نیروهای کولی و گونی‌به‌دوش را ندارند. اما بنا به دلایلی تقریباً همه پیمانکاران از آنها استفاده می‌کنند. مأموران انضباط شهری، اغلب در محله‌هایی که گاراژهای غیرمجاز ضایعات شهری وجود دارد، به‌صورت گذری حضور داشته و در صورت مشاهده زباله‌گرد کتفی (به ویژه معتادان) زباله‌های آنها را گرفته و به ایستگاه‌های تفکیک پسماند تحویل می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه آسیب‌های اجتماعی از جمله زباله‌گردی، دارای پیچیدگی‌های بسیاری است. مسلماً در شکل‌گیری این پدیده، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری تأثیرگذارند. بنابراین، از زوایای مختلفی می‌توان به این مسأله شهری پرداخت.

در چند سال گذشته، زباله به‌عنوان یک فراوده انسانی، به یکی از ابزارهای معیشت برخی از گروه‌های شهری تبدیل شده است. پدیده زباله‌گردی امروزه به یکی از واقعیت‌های نظام شهری، تقریباً در همه کلان‌شهرهای ایران نمود دارد. مسلماً این مسأله دارای ریشه‌ها و زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی متنوعی است. در این مطالعه، موضوعی که در ارتباط با زباله‌گردهای تهران مورد توجه قرار گرفت، سنخ‌شناسی و شیوه زیست شبانه و روزانه این گروه‌ها بود.

مشاغلی مانند زباله‌گردی، به‌علت آنکه عمدتاً در بخش غیررسمی تعریف شده است، ذیل چتر حمایتی و قانونی دولت‌ها و نهادهای مربوطه مثل شهرداری‌ها قرار نمی‌گیرند. غالب زباله‌گردها نه از بیمه تأمین اجتماعی و بازنشستگی برخوردارند و نه اینکه مزایای مربوط به بازنشستگی، سختی کار، قراردادهای محکم و مشخص به آنها تعلق می‌گیرد. حتی کسانی که برای پیمانکاران کار می‌کنند، در صورت عدم توانایی برای جمع‌آوری، هر لحظه امکان اخراج آنان وجود دارد. زباله‌گردی، دست‌کم در کلان‌شهری همچون تهران، به پدیده‌ای شایع و گسترده تبدیل شده است که حول اقتصادی غیررسمی شکل گرفته است. گروه‌ها و افراد ذینفع زیادی درگیر این مسأله هستند؛ از جمله: مدیریت شهری، پیمانکاران، بخش‌های غیررسمی خرید زباله، مکان‌های دپو و تفکیک زباله، نیروهای انتظامی و گروه‌های بسیار دیگر. حتی شهروندان نیز به‌صورت غیرملموس و با تفکیک زباله‌های قابل تفکیک از سایر زباله‌ها و قرار دادن آن در کنار سطل‌های زباله، به نمود بیشتر این مسأله کمک می‌کنند. برای فهم این پدیده چندبعدی، توجه به زندگی و زیست جهان زباله‌گردها به تنهایی کفایت نمی‌کند.

این شغل اساساً از نظر متصدیان مدیریت شهری، ممنوع بوده و زباله‌گردها به‌عنوان افراد بی‌خانمان، می‌توانند در گرم‌خانه‌های شهرداری ساکن شده و زندگی کنند. اما اشتغال به این شغل ممکن است خطرات جسمانی و روانی بسیاری برای آنها داشته باشد. زباله‌گردی لایه‌های متفاوتی دارد. از منظر حرفه‌ای، این شغل برای افراد به‌رغم داشتن خطرات و مشقات بسیار، درآمد حداقلی برای زندگی فراهم می‌کند. همچنین در موارد محدودی، مانند همه مشاغل

دیگر، این شغل نیز مراحل رشد و ترقی در سطح خود را طی می‌کند. ولی زباله‌گردی، به‌عنوان یک رفتار اجتماعی که از طرف افراد دارای اعتیاد و یا کارتون‌خواب‌ها انجام می‌شود، بیشتر برای گذران امور و کسب هزینه‌های مواد مخدر می‌باشد.

تجارب فردی زباله‌گردی و ویژگی‌های فردی آنها نشان می‌دهد افراد بدون مهارت و بدون تجربه شغلی، مهاجرین شهرهای بسیار کوچک و روستاها که از طبقات اجتماعی بسیار پایین و فاقد منزلت شغلی و اجتماعی هستند، راغب به انجام چنین مشاغلی هستند. آنها برای کسب درآمد و اداره امور خانواده، گاهی بالاجبار و گاهی با انتخاب عقلانی، این شغل را انتخاب می‌کنند.

امروزه به‌دلیل افزایش انواع آسیب‌دیدگان اجتماعی، می‌توان گفت که هر کدام از این گروه‌ها دارای شیوه زیست خاص خود هستند. مسلماً شناخت این شیوه زیست، نیازمند انجام مطالعات بیشتری است. شناخت شیوه زیست این‌گونه فرودستان شهری می‌تواند در جهت مدیریت بهتر آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران و افزایش حمایت‌های اجتماعی از آنها مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش حاضر، صرفاً تلاش داشت تا زباله‌گردی را به مثابه یک شیوه زیست شهری - با توجه به پیوند مهاجرت و زباله‌گردی - معرفی کند. مسلماً این پدیده نوظهور دارای زمینه‌های ساختاری و خرد خاص خود است که در پژوهش‌های دیگر می‌توان به آنها پرداخت.

نتایج پژوهش بیان‌گر تعامل و رابطه میان مهاجرت و افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله زباله‌گردی می‌باشد. عمدتاً مهاجران به دلیل دافعه‌های مبدا نظیر جنگ، کاهش درآمد از یک سو و دافعه‌های مقصد از جمله ارتقا کیفیت زندگی و افزایش درآمد از سوی دیگر اقدام به مهاجرت می‌کنند. زمانی که مقصد توان جذب مهاجران را در جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ندارد این گروه‌ها به ناچار به سمت آسیب‌های اجتماعی و به حاشیه شهرها رانده می‌شوند.

حال، با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

- لزوم حمایت از پژوهش‌های مرتبط با ابعاد مختلف زندگی زباله‌گردها،

- شناسایی ذی‌نفعان در پروسه جمع‌آوری پسماند در شهر تهران و استفاده از تجارب سایر

کشورها در مدیریت پسماند،

- ساماندهی زباله‌گردها در سطح کلان‌شهرها، جهت شناسایی بهتر هویت آنها و کاهش

مسائل و مشکلات مرتبط با آنان،

- توجه به مسئولیت اجتماعی نهادهای مرتبط با پسماندهای شهری و زباله‌گردها.

منابع

- افروخته، حسن و محمد حجی‌پور (۱۳۹۵). اقتصاد زباله‌ای در روستاهای پیراشهری جنوب تهران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶(۴)، صص ۴۷-۷۲.
- ایراندوست، کیومرث، محمدحسین بوچانی و روح‌الله تولایی (۱۳۹۲). تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۶، صص ۱۱۸-۱۰۵.
- پروین، ستار (۱۳۹۱). مطالعه جامعه‌شناختی آسیب‌پذیری کارگران مهاجر فصلی در شهر تهران (به همراه سنخ‌شناسی و تیپولوژی آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر)، پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- جلائی‌پور، حمیدرضا و جمال عبدالله عبدالله‌پور (۱۳۹۰). تمایز شهرگرایی و شهرنشینی: بررسی شهرگرایی در مناطق کردنشین ایران با تأکید بر شهر سردشت، مجله مسایل اجتماعی ایران، شماره ۱، صص ۳۷-۷.
- حسینی، قربان، محمود مشفق و راحله زارعی مهرجردی (۱۳۹۵). توصیف و تحلیل مهاجرت مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران و تعیین‌کننده‌های آن طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، ۶(۴)، صص ۴۴-۱۹.
- سراج‌زاده، حسین، محمدرضا پویافر و حدیث مینایی (۱۳۹۷). زمینه‌های اجتماعی مهاجرت‌های کجروانه فروشنده‌گان مواد مخدر شهرستان کوه‌دشت، مجله مسایل اجتماعی ایران، سال نهم ۹ شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۰۳.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی شهری، انتشارات سمت.
- شکویی، حسین (۱۳۷۳). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت.
- ظهیری‌نیا، مصطفی و هادی، سیما (۱۳۹۵). مطالعه کیفی دلایل و زمینه‌های زباله‌گردی در شهر زاهدان، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۷، شماره ۳، صص ۶۷-۴۳.
- علی بابایی، یحیی و ستار پروین (۱۳۹۱). گونه‌شناسی کارگران مهاجر فصلی بر حسب رفتارهای پرخطر در شهر تهران: یک مطالعه کیفی، مطالعات جامعه‌شناختی، ۱۹(۲)، صص ۳۰۶-۲۸۲.

کلانتری، احمد و محسن کلانتری (۱۳۸۱). نقش مهاجرین در نوع و میزان جرایم ارتكابی شهر تهران، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۰(۲۰). صص ۶۹-۵۳.

Adama, O. (2014). Marginalisation and integration within the informal urban economy: The case of child waste pickers in Kaduna, Nigeria. *International Development Planning Review*, 36(2):155-180.

Dias, Sonia Maria and Ogando, Ana Carolina . (2015), Rethinking gender and waste: exploratory findings from participatory action research in Brazil, *Work organisation, labour&globalisation* 9(2): 51-63 .

Einstadter, Werner and et al (2006). *criminological theory: an analysis of its underlying assumption* .publishers.INC

Furedy, C. (1989). Social considerations in solid waste management in Asian cities. *Regional Development Dialogue* 10(3): 13-43.

Furedy, C. (1990). Social aspects of solid waste recovery in Asian cities. *Urban Studies Working Paper - York University (Toronto)*30, 73 pages.

Horn Zoe Elena (2009), *Synthesis Report : No Cushion to Fall Back On the global economic crisis and informal workers*

ILO (2004)., *Women and Menin the Informal Economy: A Statistical Picture*, Second Edition, International Labour Office, and Geneva.

Louis Wirth(1938) *Urbanism as a Way of Life*. *The American Journal of Sociology*, Vol. 44, No. 1 .pp. 1-24

Medina, J. P. (2005). "Model for Analysis and Simulations (MAS): A New DSGE for the Chilean Economy," Mimeo, Central Bank of Chile.

Medina, Martin. (2005). "Waste Picker Cooperatives in Developing Countries." WIEGO/ Cornell/SEWA Conference on Membership-Based Organizations of the Poor, Ahmedabad, India ,January. Page 12.

Schantora, A. and et al (2014). Prevalence of work-related rhinoconjunctivitis and respiratory symptoms among domestic waste collectors. *Advances in Experimental Medicine and Biology*,834. pp 53-61.

Schenck Rinie and Phillip Frederick BlaauwSchenck, R. (2011). *The Work and Lives of Street Waste Pickers in Pretoria-A Case Study of Recycling in South Africa's Urban Informal Economy*. *Urban Forum*, No. 30, 411-430.

Thorns C. David(2002) *The Transformation of Cities: Urban Theory and Urban Life*. Palgrave Macmillan.